

Life Experience of Blind People: Recognize their Driving Patterns

*Hosseinlu A¹, Esma'ili M², Kazemian S³

Author Address

1. Master of Rehabilitation Consulting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;

2. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;

3. Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author E-mail: Aghil.hosseinlu@atu.ac.ir

Received: 2018 Apr 10; Accepted: 2018 May 8

Abstract

Background & Objective: Having a different physical and emotional experience, including stressors in human life, could affect individual identities, psychosocial dimensions, emotional balance, self-satisfaction, sense of competence and achievement, social interactions, interpersonal relationships and individual needs adaptability. Blindness is a different experience. Blind people usually have difficulties in adaptation with their environment because they lose their basic sense of mobility and navigation skills. However, it is said that a person with a behavioral pattern can achieve success when a person can navigate his work and his personal life. Identifying behavioral patterns of individuals can lead to the correct design of the movement for successful relationships and constructive interaction with others to obtain the desired outcomes from work negotiations, family relationships and friendly communication. Therefore, the present study was conducted to examine the life experience of blind people to recognize their driving patterns.

Methods: This research was a qualitative study and phenomenological research. The sample and statistical population of the study were blind subjects with 22 years and older in Tehran. The people were selected using targeted sampling method, and the data-gathering tool was semi-structured interviews. In analyzing the data obtained from the interview, two methods of descriptive phenomenological analysis (Clayzeer method) and the coding method used simultaneously. Interview data at the same time and after completing interviews and recording the main points during the session, the participants' statements repeatedly listened to the recorded notes, and their statements word-of-word wrote on paper and several times studied to understand participants' feelings and experiences.

Results: Analysis of interviews data about the living experience of blind people to determine the characteristics of their driving patterns had 21 major categories. They include: normalization in the course of time, the color of divinity, the relationship with God and Holliman's, the blessings of God, strong self-concept and self-reliance, self-belief, strong will, sense of usefulness, positive effects, emphasis on self-help, help-seeking and consulting with others, communication with others, communication with the blind, community support, family support, friendship support, welcoming culture, hindering others, negative impacts, education, financial dependence, outcomes and livelihood status obtained. Ultimately identified five core categories as characteristics of the driving patterns of blind people, including overtime adaptation, association with God, social skills, individual support factors and social support.

Conclusion: Characteristics of the driving patterns of blind people were a set of interpersonal and interpersonal features and factors such as environmental factors and, most important, communication with the creator of being. Therefore, it seems that neglecting or ignoring any of these factors and features can deprive an individual of having driving patterns.

Keywords: Phenomenology, Life experience, Blind, Adaptability, Driving patterns.

تجربه زیسته افراد نابینا: تشخیص الگوهای پیش برنده آنها

*عقیل حسین لو^۱، معصومه اسمعیلی^۲، سمیه کاظمیان^۳

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: Aghil.hosseini@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: افراد نابینا معمولاً به دلیل داشتن تجربه متفاوت از افراد عادی، در سازگاری با محیط دچار مشکل می‌شوند. در این میان گفته شده است فرد دارای الگوی رفتاری پیش برنده، در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی خود، می‌تواند به موفقیت دست یابد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته افراد نابینا به منظور تشخیص الگوهای پیش برنده آنها انجام گرفت.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و پژوهشی پدیدارشناسی بود. جامعه آماری و نمونه‌های این پژوهش را افراد نابینا، ۲۲ ساله و بیشتر در شهر تهران تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیز از روش تحلیل پدیدارشناسی توصیفی کلایزی و روش کدگذاری به‌طور هم‌زمان استفاده شد.

یافته‌ها: با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها درباره تجربه زیسته افراد نابینا برای تعیین ویژگی‌های الگوهای پیش برنده آنها، ۲۱ مقوله عمده به دست آمد که در نهایت پنج مقوله هسته شامل سازگاری به‌مرور زمان، ارتباط با خدا، عوامل حمایت‌کننده فردی، مهارت‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی، به‌عنوان این ویژگی‌ها مشخص شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت، الگوهای پیش برنده افراد نابینا، مشتمل بر مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عوامل درون فردی و بین فردی و درعین حال عوامل محیطی و از همه مهم‌تر ارتباط با خالق هستی است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد بی‌توجهی یا نادیده‌گرفتن هرکدام از این عوامل و ویژگی‌ها، می‌تواند فرد را از داشتن الگوی پیش برنده، محروم سازد.

کلیدواژه‌ها: پدیدارشناسی، تجربه زیسته، نابینا، سازگاری، الگوهای پیش برنده.

شناسایی الگوهای رفتاری افراد می‌تواند موجب ترسیم صحیح حرکت برای برقراری روابط موفق و تعامل سازنده با سایرین به‌منظور کسب نتایج دلخواه از مذاکرات کاری و روابط خانوادگی و ارتباط‌های دوستانه شود (۱). داشتن تجربه متفاوت جسمی می‌تواند از جمله عوامل تنش‌زا در زندگی انسان باشد که بر هویت فردی، ابعاد روانی اجتماعی، تعادل عاطفی، رضایت از خود، احساس شایستگی و کارآمدی، تعامل‌های اجتماعی و روابط بین فردی تأثیر بگذارد و فرد نیازمند سازگاری با آن است (۲). نابینایی نیز تجربه متفاوتی بوده که از این امر مستثنی نیست. افراد نابینا معمولاً به‌سبب داشتن تجربه متفاوت از افراد عادی، در سازگاری با محیط دچار مشکل می‌شوند. ممکن است نابینایی به‌عنوان مانعی در تعامل‌های اجتماعی باعث شود آن‌ها در مقایسه با هم‌سن‌وسالان خود ارتباط اجتماعی کمتری داشته باشند و چون ادراک از خود و برداشت فرد از خویش دارای بار قوی اجتماعی است، روی بُعد عاطفی ارزشیابی خود آنان تأثیر می‌گذارد (۳). نابینایی بر کارکرد فرد تأثیرات همه‌جانبه‌ای دارد. بدون بینایی، ادراک و تفکر افراد از خود و دیگران، بسیار متفاوت خواهد بود. این ادراک متفاوت ممکن است در افراد با آسیب بینایی، سبب بروز مشکل‌های عاطفی و اجتماعی شود (۴).

سازگاری با محیط نقش عمده‌ای در بقای انسان و سلامت روانی او دارد. انسان با کمک این توانایی است که می‌تواند با وضعیت متغیر محیطی و درونی خود کنار آید و موجودی و سلامت روانی خویش را حفظ کند (۵). افرادی که از نظر روانی سالم هستند و در واقع سازگاری دارند، می‌توانند خودشان و دیگران و رویدادهای موجود در محیط را به‌صورتی که واقعاً هستند درک کنند، یعنی آن‌ها در برابر تجربیات محیطی گشوده‌اند (۶). افراد سازگار، واقع‌بین، انعطاف‌پذیر، مؤثر و اجتماعی بوده و کوشش‌های آن‌ها در جهت سازگاری و حل مسئله بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت و توانایی‌ها و آثارشان صورت می‌گیرد. آنان قادر به تغییر رفتار خویش برطبق انتظارات و توقع‌های در حال تغییر از واقعیت هستند و هنگام ضرورت توانایی یادگیری پاسخ‌های جدید را داشته و از زندگی لذت می‌برند (۷). در تعریف شخص دارای الگوی رفتاری پیش‌برنده می‌توان گفت این شخص، از انجام کار خود مطمئن است و در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی‌اش، می‌تواند به موفقیت دست یابد. او به‌طور پیوسته به دنبال دستاوردهای جدید است. فرد با الگوی رفتاری پیش‌برنده با استفاده از قدرت اراده بُعد رفتاری D¹ (تسلط) و صبر و شکیبایی بُعد رفتاری S² (ثبات) عزم راسخی در جنگیدن برای هدفی دارد. گاهی او در وضعیت D بوده و نتیجه‌گرا و معطوف به اهدافش است و زمانی دیگر در وضعیت S و مهربان و انعطاف‌پذیر و بسیار مستقل است. او ممکن است تمایل زیادی به ایفای نقش در تیم داشته باشد. همچنین وفاداری و صداقت شدیدی به افراد زندگی‌اش نشان می‌دهد و می‌تواند از طریق گوش کردن به بازخورد‌های افراد خانواده و دوستان و همکاران، آگاهی لازم و چشم‌انداز روشنی را به‌دست آورد (۱)؛ نابینایی پدیده‌ای ناخواسته بوده که ممکن است

برای هر فردی در هر زمان و سن و مکانی اتفاق افتد و به‌تبع آن ممکن است به‌علل متعدد مانند نگرش‌های منفی جامعه به نابینایان، تصویر ذهنی جامعه دربارهٔ درمانده و وابسته‌بودن نابینایان، دریافت نکردن بازخورد چشمی دربارهٔ رفتارهایشان، ناتوانی در موضع‌یابی و تعیین محل افراد، ناتوانی در پیدا کردن راهکارهای مناسب برای غلبه بر نداشتن اعتمادبه‌نفس و مشکلات در روابط بین فردی، سازگاری اشخاص نابینا با مشکل مواجه شود (۸)؛ اما نابینایی نمی‌تواند علت بازدارنده جهت حضور افراد در صحنه‌های گوناگون اجتماعی باشد (۹)؛ بنابراین تحقیق حاضر با بررسی تجربه زیستهٔ افراد نابینا در جهت دستیابی به ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده آنان است تا بدین طریق ویژگی‌های این الگوها را در افراد نابینا شناسایی کرده و نتایج پژوهش در اختیار نابینایان دیگر قرار گیرد. همچنین گامی در جهت کاهش مسائل مدنظر نابینایان بردارد.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و پژوهشی پدیدارشناسی بود. جامعه آماری را افراد نابینا، ۲۲ ساله و بیشتر (زن و مرد)، در شهر تهران تشکیل دادند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند با دو روش نمونه‌گیری ملاکی و گلوله برفی انتخاب شدند. پژوهشگر با توجه به معیارهایی همچون شناخت کافی از موضوع تحقیق، علاقه به موضوع پژوهش، داشتن زمان کافی جهت مصاحبه و اجازه‌دادن جهت ضبط صدا، شرکت‌کنندگان در تحقیق را با شناخت قبلی خود و کمک‌گرفتن از افراد آشنا با نابینایان موفق، انتخاب کرد. در ادامه روش نمونه‌گیری گلوله برفی به‌کار رفت. بدین‌صورت که بعد از چند نفر نمونه اولیه بقیه نمونه‌ها توسط افراد شرکت‌کننده معرفی شدند و فرایند نمونه‌گیری و همچنین پژوهش تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها به اشباع نظری رسیدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود؛ بنابراین محورهای سؤال‌های تحقیق برای رسیدن به اینکه ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا چیست، طراحی و به مصاحبه پرداخته شد. این سؤال‌ها عبارت بود از: ۱. کنشگران مطالعه‌شده با مسئله نابینایی خود چگونه برخورد کرده‌اند؟ ۲. کنشگران مطالعه‌شده در برخورد با فراز و نشیب‌های زندگی چه کارهایی انجام داده‌اند؟ ۳. از نظر کنشگران مطالعه‌شده اطرافیان (اجتماع) برای رسیدن به اهدافشان چه کمک‌ها و چه موانعی ایجاد کرده‌اند؟ ۴. کنشگران مطالعه‌شده چه کارهایی در جهت افزایش توانمندی خود انجام داده‌اند؟ ۵. از نظر کنشگران مطالعه‌شده نابینایی چه تأثیراتی در زندگی آن‌ها داشته است؟ تقریباً بعد از نمونه هشتم، یافته‌های حاصل از مصاحبه نمونه‌ها تکرار شد. سپس نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها تا ۱۳ نمونه پیش‌رفته و به پایان رسید. در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیز از دو روش تحلیل پدیدارشناسی توصیفی کلایزی و روش کدگذاری به‌طور هم‌زمان جهت تحلیل عمیق یافته استفاده شد. تحلیل یافته‌ها بدین صورت بود که در تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤال‌های پژوهش، داده‌های مصاحبه‌ای هم‌زمان و پس از پایان مصاحبه‌ها و ثبت یادداشت برداری نکات اصلی حین جلسه، بیانات ضبط‌شده شرکت‌کنندگان به‌طور مکرر گوش داده

2. Steadiness

1. Dominance

شد. همچنین اظهاراتشان، کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته و جهت درک احساس و تجارب شرکت کنندگان چند بار مطالعه شد. پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت کنندگان، زیر اطلاعات با معنا و بیانات مرتبط با ویژگی‌های الگوهای پیش برنده آن‌ها خط کشیده و بدین طریق جملات مهم مشخص شد. در ادامه با استفاده از روش کدگذاری، در واحد سطر و عبارت و پاراگراف، به صورت سطر به سطر و عبارت به عبارت و پاراگراف به پاراگراف به دقت کدگذاری باز شده و مفاهیم اولیه برگرفته از داده‌ها به دست آمد. هم‌زمان با فرایند کدگذاری باز، کدگذاری محوری نیز صورت گرفت؛ یعنی مقوله‌های حاصل با یکدیگر مقایسه و ابعاد آن‌ها تشخیص داده شد. در نهایت، مقوله‌های عمده با توجه به ارتباط منطقی بین مقوله‌ها و مبتنی بر گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و برداشت محقق به نگارش درآمد (مطابق با مرحله سوم و چهارم روش کلایزی). سپس در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌های هسته تعیین شدند. در این مرحله باید از بین مقوله‌های حاصل مقوله هسته مشخص شده با محقق مقوله‌ای جدید را برای پرکردن فضای مفهومی کل مقوله‌ها تعیین کند؛ لذا مقوله هسته برای سؤال اصلی تحقیق که فرایند کدگذاری باز و محوری را طی کرده، تعیین شد (مطابق با مرحله پنجم روش کلایزی). در ادامه برای

اعتباربخشی به مقوله‌های هسته به هرکدام از مشارکت‌کنندگان در تحقیق رجوع و درباره درک درست مقوله از آن‌ها سؤال شد. در این مرحله درباره دو تا از مقوله‌های هسته به دست آمده تجدیدنظر صورت گرفت. در پایان به توصیف مقوله‌های هسته حاصل از یافته‌ها و همچنین تأیید شده توسط مصاحبه‌شوندگان، پرداخته شد. لازم به ذکر است که مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مصاحبه و ادامه آن آزادی تمام داشتند؛ بنابراین بعد از توضیحات کلی درباره پژوهش (فرایند و زمان پژوهش)، در صورت موافقت، مصاحبه‌شوندگان در تحقیق شرکت داده شدند.

۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۱۳ نابینا با دامنه سنی ۲۲ سال و بیشتر شرکت داشتند. اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد از بین تعداد مصاحبه‌شوندگان نه نفر مرد و چهار نفر زن بودند. میانگین سنی زنان ۳۲ سال و میانگین سنی مردان ۴۰ سال و تحصیلات مصاحبه‌شوندگان، سه نفر دکتری و دو نفر کارشناسی ارشد و هشت نفر لیسانس بود.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان در مصاحبه

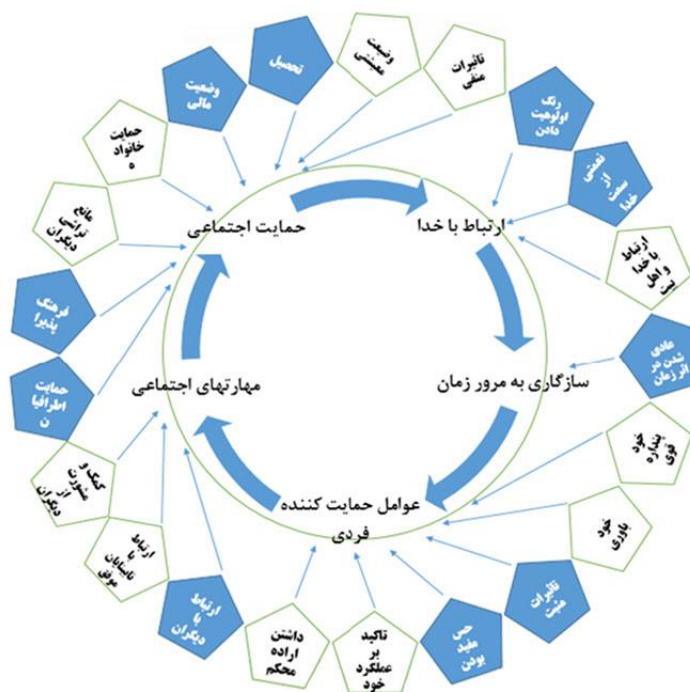
ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تاهل	علت نابینایی
۱	مرد	۵۲	دکتری	هیئت علمی	متاهل	مادرزادی
۲	مرد	۵۷	دکتری	هیئت علمی	متاهل	مادرزادی
۳	مرد	۵۰	دکتری	کارمند	متاهل	اکتسابی
۴	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	کارمند	متاهل	اکتسابی
۵	مرد	۲۷	کارشناسی ارشد	دانشجو	مجرد	مادرزادی
۶	مرد	۲۸	لیسانس	دانشجو	مجرد	اکتسابی
۷	مرد	۲۳	لیسانس	دانشجو	مجرد	اکتسابی
۸	زن	۲۲	لیسانس	دانشجو	مجرد	مادرزادی
۹	زن	۲۸	لیسانس	کارمند	مجرد	اکتسابی
۱۰	زن	۳۷	لیسانس	معلم	مجرد	مادرزادی
۱۱	زن	۴۱	لیسانس	کارمند	مجرد	مادرزادی
۱۲	مرد	۴۸	لیسانس	کارمند	متاهل	مادرزادی
۱۳	مرد	۳۵	لیسانس	مدیر	متاهل	مادرزادی

۳. عوامل حمایت‌کننده فردی، ۴. مهارت‌های اجتماعی و ۵. حمایت اجتماعی به دست آمد که در جدول ۲ و شکل ۱ ارائه شده است.

از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پیرامون تجربه زیسته افراد نابینا برای تعیین ویژگی‌های الگوهای پیش برنده آن‌ها، ۲۱ مقوله عمده و پنج مقوله هسته شامل ۱. سازگاری به مرور زمان، ۲. ارتباط با خدا،

جدول ۲. مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته پژوهش

مقوله‌های عمده	مقوله‌های هسته
عادی شدن در اثر گذشت زمان	سازگاری به مرور زمان
رنگ الهی‌دادن، ارتباط با خدا و اهل بیت، نعمتی از سمت خدا	ارتباط با خدا
خودپنداره قوی، خودباوری، داشتن اراده محکم، حس مفید بودن، تأثیرات مثبت، تأکید بر عملکرد خود	عوامل حمایت‌کننده فردی
کمک‌خواستن و مشورت با دیگران، ارتباط با دیگران، ارتباط با نابینایان موفق	مهارت اجتماعی



شکل ۱. ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده افراد نابینا با رسم شکل

۴ بحث

پژوهش حاضر به بررسی تجربه زیسته افراد نابینا به منظور تشخیص الگوهای پیش‌برنده‌های آن‌ها پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده افراد نابینا شامل سازگاری به مرور زمان، ارتباط با خدا، عوامل حمایت‌کننده فردی، مهارت‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی است. یعنی از نظر کنشگران، گذشت زمان از عوامل بسیار مهم سازگاری با نابینایی بوده و در ادامه از الگوهای پیش‌برنده آنان است. آن‌ها بیان کردند که «روبه‌رو شدن با نابینایی چند ماه اول سخت بود ولی کم‌کم با گذشت زمان همه چی برایم عادی شد. همیشه اینطوریه اوایل بهت فشار مباد؛ اما در ادامه دیگه آسون می‌شه؛ بهترین کار این بود که باهاش کنار بیام و هرچه می‌گذشت بهش عادت می‌کردم».

گفته شده است سازگاری برآیند تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل فردی جمعیتی (سن، جنس، تمایزهای فرهنگی و قومیتی و نژادی، توانایی هوش) و عوامل شخصیتی (عزت‌نفس، ابراز وجود، خوش‌بینی، احساس برجستگی و بزرگی، خودارزشمندی، سبک اسنادی و نوع کنترل، جهت‌گیری‌های انگیزشی و ره یافت‌ها و شیوه‌های یادگیری، ثبات عاطفی و هوش هیجانی و خودکارآمدی) و عوامل متغیرهای موقعیتی محیطی (مطلوب بودن اجتماعی، سبک‌های

مقابله‌ای، مهارت‌های حل مشکل اجتماعی، نقش مشاوران، نقش عوامل خانوادگی و معلمان و حمایت اجتماعی) است (۱۰). نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سازگاری نابینایان نیز به نوعی از سازگاری حاصل در طول زمان حمایت می‌کند. در مطالعه‌ای که با عنوان بررسی وضعیت سازگاری عاطفی و اجتماعی جانبازان نابینا در شهر زنجان در سال ۱۳۹۰، صورت گرفت، نتایج نشان داد بین سن افراد و سازگاری اجتماعی و نیز بین سن افراد و سازگاری در بُعد سلامتی ارتباط معناداری وجود داشت. به نحوی که هرچه سن فرد بیشتر بود سازگاری زیادتر و بهتری در مقایسه با افراد دارای سن کمتر، داشتند (۱۱). در پژوهش دیگری مشخص شد افراد دارای خصیصه سخت‌رویی در طول زمان، مقاوم و سازگار و در عین حال رویدادهای زندگی از نظر ایشان کنترل‌شدنی و پیش‌بینی‌پذیر است (۱۲). همچنین در پژوهش مذکور بیان شد افراد با خصیصه سخت‌رویی در طول زمان و پشت‌سرگذاشتن حوادث تنیدگی‌زا در زمان‌های مختلف در طول عمر، افراد را در برابر بیماری‌ها و عوارض منفی آن مقاوم می‌کند (۱۳).

ارتباط داشتن با خدا، از دیگر ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده افراد نابینا بوده که از دید کنشگران تحقیق ارتباط با خدا و نیاز با او و توکل بر خدا، اهمیت زیادی در جهت سازگارشدن با نابینایی دارد و از ویژگی‌های بسیار مهم الگوهای پیش‌برنده آنان است. آن‌ها بیان

کردند «هر کاری برای خدا ارزششو داره و حتماً حکمتی بوده. با خدا زیاد حرف می‌زنم. خدا را شکر می‌کنم. اگر در سرازیری و مشکل باشم، توسل می‌کنم به سیدالشهدا. من که بهتر از حضرت زهرا نیستم؛ این همه رنج کشید و لب تر نکرد. نابینایی به من هدیه‌ای بوده تا قدر داشته‌هامو بدونم. من به نابینایی بیشتر به‌عنوان به‌نعمت نگاه کردم زمانی‌که خیلیا شکر می‌کنن که مثل من نابینا نیستم (یعنی نابینایی من به نعمتی هست که دیگران با دیدن من خدا را بیشتر شکر می‌کنن)».

اما تحقیقی در رابطه با ارتباط با خدا برای نابینایان صورت نگرفته است. حتی پژوهش‌های دیگری که به‌طور کلی در خصوص ارتباط انسان با خدا انجام شده، بیشتر به نوع ارتباط انسان با خدا و خدا با انسان پرداخته یا ارتباط انسان با خدا را در متون عرفانی و ادبیات بررسی کرده است که در ادامه به تعدادی اشاره می‌شود. در پژوهشی با عنوان رابطه خدا و انسان در ادبیات خداشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی، جست‌وجوی دو جانبه خدا و انسان برای نزدیکی به یکدیگر و آغازگری رابطه از سوی خداوند، تقدم اراده خداوند بر خواست آدمی، اشاره به محبت متقابل خدا و انسان و خاستگاه الهی عشق و همچنین نقش و کارکرد شفقت انسانی جهت برقراری ارتباط با خداوند، اجابت دعا، بخشایش الهی و مصون‌بودن از قهر الهی از جمله نتایج حاصل از این پژوهش است؛ بنابراین می‌توان گفت هرچند پژوهش‌های صورت‌گرفته به‌طور مستقیم از نتایج مطالعه حاضر حمایت نمی‌کند، می‌توان از نتایج آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم برداشت کرد که در همه احوال اعتقاد به نیرویی برتر مثل خدا همیشه برای بشر، آرامش‌بخش بوده و توان مقابله در رویارویی با مسائل مختلف و پیشرفت و پیشبرد اهداف در جهت رشد خود و دیگران، راهگشا و تسهیل‌گر بوده است (۱۴).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، برای ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده نابینایان، عوامل حمایت‌کننده فردی به‌دست آمده است؛ یعنی از دید کنشگران داشتن عوامل حمایت‌کننده فردی مثل خودپنداره قوی و خوداتکایی، خودباوری، داشتن اراده محکم، حس مفیدبودن، تأثیرات مثبت، تأکید بر عملکرد خود و غیره اهمیت زیادی در جهت سازگارشدن با نابینایی دارد و از ویژگی‌های بسیار مهم الگوهای پیش‌برنده آنان است. به‌عنوان مثال آن‌ها بیان کردند «من زیاد با نابینایم درگیر نبودم به‌جاش رو توانایی که داشتم تمرکز کردم. اولش سخت بود؛ اما وقتی بقیه حس‌ها رو دارم ازشون خوب استفاده کردم. بیشتر به این فکر می‌کنم که چی کار می‌تونم بکنم؛ نداشتن امید بدتر از هر چیزی هست. نداشتن چشم که چیزی نیست. خود من مهم‌ترین عامل در شکست و موفقیت‌ها هستم. بستگی به این داره که خود فرد چقدر تلاش کرده اگر واقعاً تلاش کرده باشم نتیجه خوبی می‌بینم. با خودم زیاد حرف می‌زنم و در موردش با خودم صحبت می‌کنم. اگه شکست بخورم حتماً چند روز بعد دوباره شروع می‌کنم». اسپرینگر و فیلیپس، عوامل حمایت‌کننده فردی را، عواملی می‌دانند که سبب می‌شود فرد در محیط‌های پرخطر دارای شخصیت سالم و رشد اجتماعی مناسب باشد. ممکن است نبود یا ضعف این عوامل به سلامت شخصیت و رشد اجتماعی شخص آسیب بزند. اختلال در هر یک از عوامل حمایت‌کننده فردی می‌تواند به بروز اختلال‌های

بسیاری منجر شود. عوامل حمایتی ویژگی‌هایی است که سازگاری را تقویت می‌کند؛ درحالی‌که اصطلاحاتی مثل آسیب‌پذیری و خطر برای فاکتورهایی استفاده می‌شود که احتمال ناسازگاری را افزایش می‌دهد (به نقل از منبع ۱۵).

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه نابینایان، از اهمیت عوامل حمایت‌کننده فردی یا هرکدام از مؤلفه‌های آن به‌طور مجزا، در سازگاری فرد و پیشبرد و نیل به اهداف و ازطرفی کاهش رفتارهای پرخطر خبر می‌دهد. در پژوهشی ارتباط بین عوامل حمایت‌کننده فردی و خودکارآمدی اجتماعی را با بروز رفتارهای بزهکارانه نشان دادند. به این نحو که هرچه عوامل حمایت‌کننده فردی زیاد باشد رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد (۱۶).

ویژگی دیگری که برای الگوهای پیش‌برنده نابینایان با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مشخص شد، داشتن مهارت‌های اجتماعی است. بدین‌صورت داشتن مهارت‌های اجتماعی مثل مشورت‌گرفتن از دیگران، حس لذت از کمک به دیگران (علاقه اجتماعی)، تمایل به یادگیری از دیگران، الگو قراردادن دیگران، کمک‌خواستن از دیگران به‌هنگام نیاز و غیره برای نابینایان راهگشا بوده است. مثلاً آن‌ها بیان کردند: «برام خیلی سخت بود؛ اما وقتی با کسانی آشنا شدم که تونسته بودن با این مسئله کنار بیان و حتی بهتر از بی‌ناها هم زندگی کنن، خیلی راحت کنار اوادم. با چند تا نابینای موفق آشنا شدم که الان بهترین خونه و زندگی رو دارن؛ ارتباط داشتن با نابیناهایی که از پس مشکلات براومده بودن. بیشتر اون حس لذتی که وقتی به دیگری کمک می‌کنم باعث می‌شه که تلاشم رو بیشتر کنم تا توانمندی‌هامو زیاد کنم. همیشه با دوستانم مشورت می‌کنم و اونا هم کمک می‌کنن».

گفته شده است مهارت اجتماعی مجموعه رفتارهای فراگرفته پذیرفتنی بوده که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از بازخورد نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک‌کردن، آغازگر رابطه‌بودن، تقاضای کمک‌کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی‌کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است (۱۷). در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس دانش‌آموزان نابینا، دریافتند آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عزت‌نفس دانش‌آموزان پسر نابینا، در گروه آزمایشی به‌طور معناداری مؤثر بوده است. این یافته‌ها، بیان می‌کند اجرای برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان نابینای گروه آزمایشی، کمک کرده تا در تعامل با همسالان خود، با عزت‌نفس خوبی رفتار کنند (۱۸). اهمیت مهارت‌های اجتماعی را به‌عنوان عامل بسیارمهم در اجتماعی‌شدن و سازگاری اجتماعی، هیچ‌گاه نمی‌توان از نظر دور داشت؛ بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی به افراد نابینا بسیار حیاتی و مهم است و می‌تواند عامل مهمی در جهت پیشبرد و نیل به اهداف آن‌ها باشد.

ویژگی دیگر برای الگوهای پیش‌برنده افراد نابینا، حمایت اجتماعی بوده است؛ یعنی از نظر کنشگران تحقیق داشتن حمایت اجتماعی مثل حمایت اطرافیان در هنگام نیاز و مشکل‌ها، نبود مانع‌تراشی از سمت آنان، وضعیت مالی خوب، دسترسی به امکانات آموزشی و حتی تحصیل، از عوامل مؤثر بسیار مهم در رسیدن به سازگاری و

پیشبرد اهداف آنان بوده است؛ مثلاً آن‌ها بیان کردند: «مادرویدر خیلی کمکم می‌کنن و همیشه همامو داشتن. دوستانم خیلی کمک کردن؛ همش باهام بودن. تا وقتی ازدواج نکرده بودم پدرومادرم کمکم می‌کردن اما حالا همسر؛ نادیده گرفته شدن از سمت دیگران خیلی اذیتم می‌کنه انگار که من نیستم؛ اما وقتی توی کاری باهام مشورت می‌کنن خیلی حس خوبی دارم. پدرومادرم همیشه قبل از هر کاری از خودم سؤال می‌کنن؛ خدا را شکر محیط زندگی من خیلی مناسب بود؛ یعنی آگاهی و فرهنگشو داشتن وگرنه شاید منم مثل خلیلیا باید طرد می‌شدم؛ وضعیت مالی در اوایل خیلی ناراحت‌کننده بود. انتظار کمک آن‌چنانی نداشتیم؛ اما حداقل یه تفاوتی می‌گذاشتن».

می‌توان گفت به‌طورکلی حمایت اجتماعی به کمک یا مساعدتی اطلاق می‌شود که در هنگام مواجهه شخص با اضطراب و فشار و مشکلات زندگی در اختیار فرد می‌گذارند (۱۹). نتایج پژوهش آزادی و آزاد نشان داد بین حمایت اجتماعی با سلامت روان، همبستگی معناداری وجود دارد که در این میان حمایت اجتماعی سایر افراد مهم زندگی و حمایت اجتماعی خانواده و حمایت اجتماعی دوستان به ترتیب ارتباط بیشتر را با سلامت روان دارند؛ بنابراین باتوجه به نتایج تحقیق حاضر و نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان گفت داشتن حمایت اجتماعی چه به صورت ادراک شده و چه به شکل دریافت شده، یکی از عوامل مهم سازگاری نابینایان بوده و در جهت

پیشبرد اهداف آن‌ها، راهگشا بوده است (۲۰).

۵ نتیجه‌گیری

به‌طورکلی از نظر کنشگران مطالعه شده و باتوجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت ویژگی‌های الگوهای پیش‌برنده افراد نابینا، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عوامل درون‌فردی و بین‌فردی و درعین‌حال عوامل محیطی و از همه مهم‌تر ارتباط با خالق هستی است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد بی‌توجهی یا نادیده‌گرفتن هرکدام از این عوامل و ویژگی‌ها، می‌تواند فرد را از داشتن الگویی پیش‌برنده محروم سازد که در تعریف آن بیان شده است فرد دارای الگوی رفتاری پیش‌برنده در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی خود، می‌تواند به موفقیت دست یابد و او به‌طور پیوسته به دنبال دستاوردهای جدید است. به‌نظر می‌رسد به‌جز یکی از این ویژگی‌ها، یعنی سازگاری به‌مرور زمان که نیاز به گذر زمان دارد، بقیه ویژگی‌هایی هستند که اکتسابی بوده و با آموزش و تربیت مناسب افراد نابینا، می‌توان فرد را مجهز به چنین ویژگی‌هایی کرد؛ به‌طور مثال ارتباط داشتن با خدا به‌عنوان ویژگی از الگوهای پیش‌برنده آن‌ها، ویژگی است که کاملاً با تربیت افراد نابینا از سنین کودکی و اتصالشان به نیرو و پشتیبانی همیشگی، آنان را دربرابر مسائل و موانع پیش‌روی زندگی‌شان نیرومند و مقاوم می‌سازد.

References

1. Tafreshi Motlagh A, Moradi MB, Imamiyeh SS, Darbandi M. Universal model of DISC third millennium miracle. Karaj, Iran: Ghrohe Moallefin Publication; 2015, pp:1-78. [Persian]
2. Afrasiabifar A, Hasani P, Fallahi Khoskenab M, Yaghmaei F. Models of adjustment to illness. *Advances in Nursing & Midwifery*. 2010; 19 (67): 42-8. [Persian] doi:[10.22037/anm.v19i67.1550](https://doi.org/10.22037/anm.v19i67.1550)
3. Afrouz GA. An introduction to psychology and the education of exceptional children. Tehran, Iran: Tehran University Publication; 2012, 41-43. [Persian]
4. Narimani M, Soleymani I, Abolghasemi A. A comparison of internal and external dimensions of thinking styles in blind and sighted students. *Journal of School Psychology*. 2012; 1(1):108-18. [Persian]
5. Barghandan S, Tarkhan M, Ghaemi Khamami N. Efficacy of anger management training on social adjustment of high school female students in Rasht city. *Clinical Psychology Studies*. 2012;2(8):140-65. [Persian]
6. Schultz D, Schultz SA. *Personality Theories*. Seyyed Mohammadi Y. (Persian translator). Tehran: Savalan; 2016, pp: 171-173.
7. Navabinejad Sh. Normal and abnormal behaviors of children and adolescents and ways to prevent and treat abnormalities. Tehran: Parents & Coaches Association; 2014, pp: 92-93.
8. Sharifi Daramadi P. The effect of social skills training based on cognitive- behavioral approach on psychological adjustment of blind male students. *Psychology of Exceptional Individual*. 2011; 1(1):45-66. [Persian]
9. Babae Fard A, Mehraban Z. Review the problems and problems of blind and partially sighted people in dealing with the community. Tehran: Meeting of the Bina Society and the Citizen of the Blind in December 2015. [Persian]. Available from: <http://gooshkon.ir/1394/09>
10. Zaki MA. Adaptation to university and its relationship with social support a case study: the students of Isfahan University. *Youths, Culture and Society Research*. 2010;(4):107-30. [Persian]
11. Ghafouri Fard M, Payami Busari M, Heidari Some'e A. A survey on various dimensions of adjustment status among warfare Veterans with one eye blindness. *Iranian Journal of War and Public Health*. 2014; 6(2). [Persian] <http://ijwph.ir/article-1-283-en.html>
12. Kobasa SC. Stressful life events, personality, and health: an inquiry into hardiness. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1979; 37 (1):1-11. doi:[10.1037/0022-3514.37.1.1](https://doi.org/10.1037/0022-3514.37.1.1)
13. Maddi SR. Hardiness: an operationalization of existential courage. *Journal of Humanistic Psychology*. 2016;44(3):279-98. doi:[10.1177/0022167804266101](https://doi.org/10.1177/0022167804266101)
14. Pazhuhandeh L. The affinity between God and man in teleological and mystic literature: the case of Mowlavi. *Adab Pazhuhi*. 2011;6(22):97-124. [Persian]
15. Aghanje N. Validation and Reliability Assessment of the Persian Version of Individual Supporting Factors Index (IPFI) in high school adolescents in Shiraz [Master's Thesis]. Marvdasht: Islamic Azad University of Marvdasht; 2012. [Persian]
16. Barzegar M, Akrami N, Rasti L. Predictive role of personal and automated social support with attitude towards delinquent behavior of adolescents. National conference on the criminal policy of Iran in relation to the crime and delinquency of children and adolescents. Kerman. Graduate School of Industry and Advanced Technology; 2013. [Persian] Available from: https://www.civica.com/Paper-NCICPC01-NCICPC01_001.html
17. Shahim S. A survey of social skills in a group of blind students in terms of teachers. *Journal of Psychology & Education*. 2002;32(1):121-39. [Persian]
18. Behpajoo A, Khanjani M, Heidari M, Shokoohi Yekta M. The Effect of social skills training on self-esteem of visually impaired male students. *Journal of Research in Psychological Health*. 2008;1(3):29-37. [Persian]
19. Tasig M, Michlo J, Sweet S. *Sociology of Mental Illness*, Translation by Ahmad Abdollahi. Tehran: Publication of Samt; 2015. [Persian]
20. Azadi S, Azad H. The correlation of social support, tolerance and mental health in children of martyrs and war-disabled in universities of Ilam. *Iranian Journal of War and Public Health*. 2011;3(4):48-58. [Persian] <http://ijwph.ir/article-1-135-en.html>